

ولایت عهدی امام رضا(ع)

اول رمضان : ولایت عهدی امام رضا(ع)...

**اول رمضان : ولایت عهدی امام رضا(ع)**

هنگامی که امام رضا(ع) به مرو وارد شد مامون او را تجلیل تکریم کرد و خواص اولیاء و اصحاب خود را جمع کرد و گفت: ای مردمان من در آل عباس و آل علی تأمل کردم و هیچ یک را افضل و احق به امر خلافت از علی بن موسی (ع) ندیدم . سپس رو به امام کرد و گفت:

اراده کرده ام که خود را از خلافت خلع و آن را به تو تفویض کنم.

امام فرمود: اگر خدا خلافت را برای تو قرار داده است جایز نیست که به دیگری ببخشی و خود را از آن معزول کنی و اگر خلافت از تو نیست تو را اختیار آن نیست که به دیگری تفویض کنی.

مامون گفت: لازم است که قبول کنی .

و حضرت فرمود: من هرگز به رضای خود قبول نخواهم کرد.

و تا دو ماه این سخن در میان بود و چندان که مامون اصرار می کرد امام امتناع می فرمود چون مامون دانست که آن حضرت خلافت را نمی پذیرد گفت:

پس ولایت عهدی مرا قبول کن که پس از من خلافت با تو باشد

حضرت فرمود: پدران بزرگوایم مرا خبر دادند از رسول خدا که من پیش از تو از دنیا خواهم رفت و مرا به زهر مسموم خواهند کرد.

مامون گفت: تا من زنده ام چه کسی جرأت خواهد کرد اندیشه بدی درباره تو به ذهن خود راه دهد؟

امام پاسخ داد: اگر بخواهی می توانم بگویم آن کیست که مرا شهید خواهد کرد.

مامون گفت: غرض تو از این سخنان آن است که ولایت عهدی مرا قبول نکنی تا مردم بگویند که ترک دنیا کرده ای.

امام فرمود: بخدا سوگند که تاکنون دروغ نگفته ام و ترک دنیا از برای دنیا نکرده ام و غرض تو را می دانم .

مامون گفت: غرض چیست؟

امام پاسخ داد: غرض تو آن است که مردم بگویند علی بن موسی الرضا(ع) ترک دنیا نکرده بود بلکه دنیا او را ترک کرده بود و اکنون که دنیا او را میسر شد به طمع خلافت، ولایت عهدی را قبول کرد.

مامون در خشم شد و گفت:

پیوسته سخنان ناگوار در برابر من می گویی و از سطوت من ایمن شده ای بخدا سوگند که اگر ولایت عهدی مرا قبول نکنی گردنت را می زنم .

امام فرمود: خداوند نفرموده است که خود را به مهلکه اندازم اینک که جبر است قبول می کنم به شرط آنکه در هیچ عزل و نصیبی دخالت نداشته باشم و رسمی را بر هم نزنم و احداث امری نکنم و از دور بر بساط خلافت نظر کنم .

آن گاه دست به سوی آسمان برداشت و فرمود:

پروردگارا می دانی که به اکراه این امر را اختیار کردم مرا مواخذه مکن که رسولانت یوسف و دانیال را به سبب پذیرفتن ولایت از جانب پادشاه زمان خود مواخذه نکردی . خدایا عهدی نیست جز عهد تو ولایتی نیست مگر از جانب تو پس توفیق ده مرا که

دین تو را بر پا دارم و سنت پیامبر تو را زنده بدارم که تو مولا و سروری.

روز ششم ماه مبارک رمضان بود که مامون مجلسی ترتیب داد و همه بزرگان و اشراف و سادات و علما را امر کرد با حضرت بیعت کنند و سپس باقی مردم از ایشان پیروی نمایند سپس کسیه های زر آورد و عطایای بی شمار به مردم بخشید و دستور

داد بر سر منابر خطبه های غرا درباره آن حضرت خواندند و جایزه گرفتند و به نام حضرت سکه زدند.